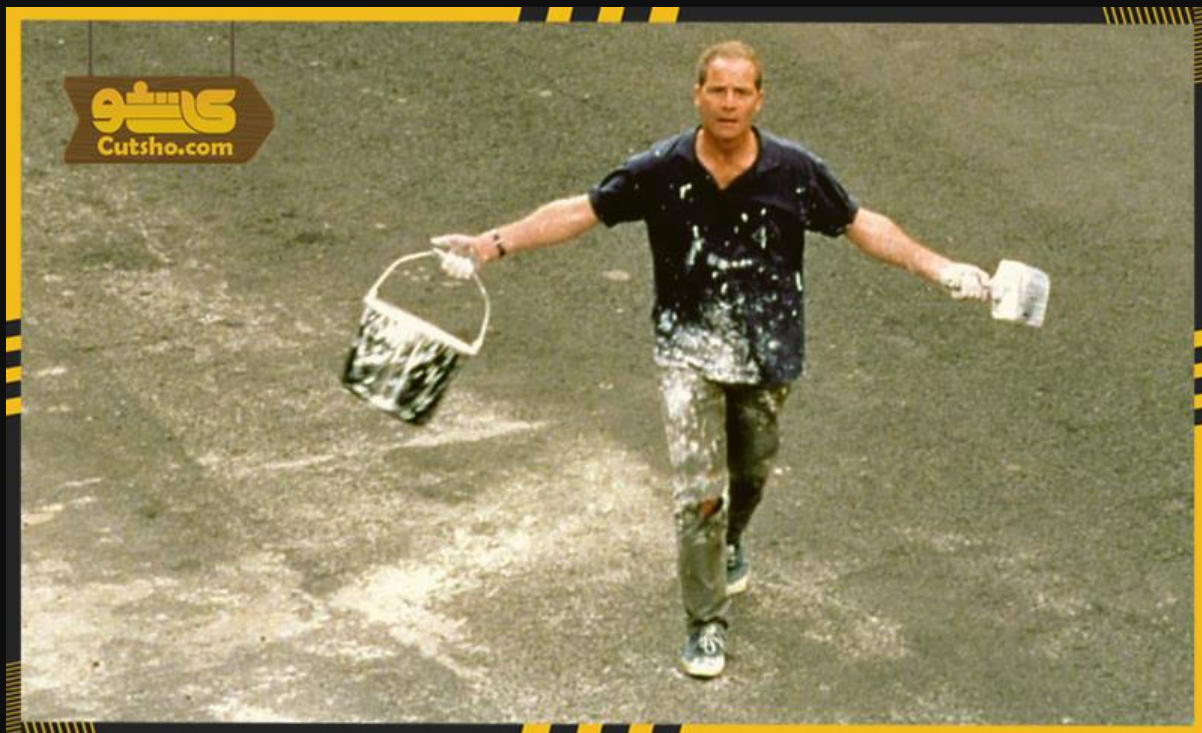


تحلیل و نقد فیلم نام من جو است 1998 My Name Is Joe کن لوچ



مواردی که در فیلم نام من جو است مورد نقد و تحلیل قرار می دهیم:

- از تگنا به تباهی
- نقدی به فیلم "نام من جو است"
- تحلیل درون مایه فیلم "نام من جو است"
- تحلیل سکانس و نماهای فیلم "نام من جو است"
- قاب بندی در فیلم "نام من جو است"
- مشاهده تریلر فیلم "نام من جو است" (در انتهای مقاله)
- ثبت کامنت و مشاهده نظر سایر دوستان (در انتهای مقاله)



استودیو کاتشو

ارائه خدمات فیلمسازی و تدوین

- ✓ ایده پردازی و سناریو تیزر های تبلیغاتی
- ✓ تولید فیلم مستند و فیلم سینمایی کوتاه
- ✓ طراحی و ساخت انیمیشن و موشن گرافیک
- ✓ ساخت موزیک ویدئو ، فیلم مراسم و فرمالیته

کلیک کنید



www.Cutsho.com



از تنگنا به تباهی

فیلم "نام من جو است" چنگی به دل نمیزند. مسئله‌ی فیلمساز روشن نیست. پیوندهایی که میان شخصیت‌ها شکل می‌گیرد محکم نیستند. تباهی نسل‌ها یکی پس از دیگری مفروض گرفته شده است. شخصیت در تنگنای نظم جامعه گرفتار است اما خرده‌پیرنگ فیلم، این تنگنا را پشتیبانی نمی‌کند. در فیلم با یک چهارگوش مواجهیم؛ جو، سارا، زوج جوان و دولت‌خلافکاران. مجموعه‌ی کنش‌های فیلم از این چهار مبدأ شکل می‌گیرد. نظم جبار جامعه از مجرای مامور دولتی یا دارودسته‌ی خلافکار در فیلم جاری می‌شود و برای قهرمان فیلم تنگنا می‌سازد اما این تنگنا جور در نمی‌آید و نه طبق روابط علل - معلولی و نه با دریافت حسی، چنین چیزی حاصل نمی‌شود. فیلمنامه دقیق نیست و جای خالی دارد. از سویی دیگر، فیلمساز دوربینش را دست کم بین چهار نفر تقسیم می‌کند و به آدم‌هایش نزدیک نمی‌شود. تکلیف حسی مخاطب معلوم نیست. هنگامی که هر یک از شخصیت‌ها تصمیم‌های مهم می‌گیرند و در کشمکش درونی به یک سمت متمایل می‌شوند، دوربین فیلمساز همراه‌شان نیست و درگیر لحظاتی از یکی دیگر از شخصیت‌ها است. در فیلم "نام من جو است" شخصیت محوری نداریم اما جمع هم نداریم. اگر قرار است جمعی ساخته شود باید جنس تک تک اعضای جمع جور باشد. سارا ربطی به این گروه از آدم‌ها ندارد اما ناگهان او را در میان آنها می‌بینیم. هرچند، مبنای شکل‌گیری خود این گروه دوستی فوتبالیست‌هاست. با این حال سروشکل‌شان به هم می‌خورد اما چرا باید زنی میانسال و تحصیل‌کرده چون سارا تا این حد درگیر روابط عاطفی با این گروه بشود؟ قد جو برای این قصه کوتاه و قد سارا برای این ماجرا بلند است. فیلمساز پای شخصیت سارا را می‌برد و برای جبران کوتاهی قد جو تیروخته می‌گذارد. فیلم "نام من جو است"، به اندازه نیست.



نقدی به فیلم "نام من جو است"

فیلمساز به سارا نزدیک می‌شود. سارا چه کمبودی در زندگی دارد که فردی مثل جو می‌تواند آن را پر کند؟ چرا وقتی جو در صحنه‌ی نوشیدن چای شبانه، سفره دلش را برای سارا باز می‌کند، سارا از ادامه‌ی رابطه با جو منصرف نمی‌شود و در نیمه شب در اتاق جو را باز می‌کند تا با او عشقبازی کند؟ از ابتدای رابطه‌ی جو و سارا، این سارا است که چراغ سبز نشان می‌دهد. اما مشخص نیست که همین زن چرا حلقه‌ی نامزدی را پس می‌زند. ممکن است علتی

وجود داشته باشد اما از آنجا که فیلمساز، از شخصیت فاصله می‌گیرد، این امر گنگ به نظر می‌رسد. فیلمساز به جو هم نزدیک نمی‌شود. خانواده‌ی جو همین تیم فوتبال است. پس چگونه می‌شود که جو تصمیم می‌گیرد با زنی ازدواج کند و خانواده‌ی دیگر تشکیل بدهد؟ چرا جو در چنین سنی دچار این توهم می‌شود که سارا می‌تواند همسر او باشد؟ از سویی دیگر سارا که به مکی می‌گوید به بولینگ نمی‌رود، چه طور می‌شود که به بولینگ می‌رود و توهم جو را درباره‌ی خودش شدیدتر می‌کند این ارتباط به رابطه‌ی جنسی هم کشیده می‌شود و پس از آن سارا حلقه‌ی او را که جو به او پیشکش می‌کند، پس می‌زند. بعد، سارا دوباره به سراغ جو می‌رود و او را دلداری می‌دهد. تا اینجا خبری از خلاف کاری جو و دوستانش نیست. خبری هم از بارداری سارا نیست. در واقع، سارا حلقه‌ی نامزدی را پس می‌زند تا اعصاب جو را به هم بریزد چرا که روند ضربه‌هایی که جو از نامردمی‌های روزگار می‌خورد نباید گسسته شود. شخصیت سارا از تقدیر جو نیامده است بلکه از مقدرات فیلمساز است و تحمیلی. اگر جو را محور بگیریم، مثل اوئی نباید با زنی مثل سارا بیامیزد. اختلاف طبقاتی و شخصیتی واضح است. براین پایه، این جو نیست که زنی به نام سارا را در تقدیر خود می‌بیند و گریزی از او ندارد بلکه جو باید زیر جبر فیلمساز با بی‌منطقی‌های سارا کنار بیاید. زنی که بی‌دلیل با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد.



تحلیل درون مایه فیلم "نام من جو است"

تنها بخشی از فیلم "نام من جو است"، چالش شخصیت با آن درست از آب در آمده است گوشه‌ی چهارم این چهارگوش، یعنی دولت - خلاف کاران است. نقد فیلمساز به نظم حاکم نقدی جدی است. فیلمساز با تصویر و قصه موفق می‌شود معضل کار و بیکاری و کسب درآمد بیکاران را نشان دهد. دولتی که زیرکانه می‌فهمد فردی که حقوق بیکاری دریافت می‌کند، مشغول به نقاشی یک خانه شده است و باید اعلام کند اما مخفی می‌کند و حالا باید تاوان و تعهد بدهد و دولت او را زیر فشار می‌گذارد.

اما همین دولت و نظم جبار حاکم، خلاف‌های دارودسته‌ی محله‌های شهر را نمی‌بیند. همین دولت ریزبین نسبت به کارگران و مستمری بگیران. خلاف‌های درشت تبهکاران گروهکی را نمی‌بیند و تباه شدن جوان‌ها برایش اهمیتی ندارد. فیلمساز، تا حدی، از پس بیانی دراماتیک این مشکل برمی‌آید. قلدری و تبهکاری گروهک خلاف کار از سویی و نظم کور و بی‌رحم دولت و جامعه از سویی دیگر، عرصه را بر افراد تنگ می‌کند. یکی از این افراد که بخش مهمی از قصه‌ی فیلم به او اختصاص دارد، لیام است. فیلم، لیام و شریک زندگی‌اش را از میانه‌ی مسیر تباهی به تصویر می‌کشد. از دولت و جامعه انتظاری نیست اما سوال این است که چرا جو پیش از این مرحله به وضعیت لیام رسیدگی

نکرده است. لیام پله های هلاکت را چند تا یکی پایین می پرد و با شتاب به حوض می رسد اما فیلمساز چگونگی طی شدن این مراحل را به تصویر نمی کشد.

طبق قصه، لیام با وجود چنین دوستانی از جمله جو، و چنین پرستار کودک و مشاوره هم چون سارا، نباید با این سرعت به تباهی برود. اما از آنجا که تباهی فاجعه آمیز لیام برای رهایی و تبریگی جو لازم است، این گونه مقدر می شود که لیام به سمت گریزگاه ها و روزنه های امید به زندگی و سلامتی نرود بلکه کورکورانه و فراری از دوربین فیلمسازی منتظر تبهکاران و تباهی بنشیند.



تحلیل سکانس و نماهای فیلم "نام من جو است"

در صحنه ای از فیلم "نام من جو است" کاراکتر اصلی "جو" برای جا به جا کردن جنس قاچاق سویچ ماشینی را تحویل می گیرد و با دردسر آژیر دزدگیر را خاموش می کند و راه می افتد. پلان بعدی جو در حال راندن در جاده ای جنگلی است. بعدا می فهمیم پیش از این صحنه، که ما نمی بینیم، عمل خلاف کارانه برای کمک به لیام انجام شده است. جو را از صندلی عقب و نمای شانه داریم. نور کم است. نما عوض می شود به نیمرخ جو و صدای دیالوگ جو با دوستش، شنکس، می آید. گفتگویی که مدتی پیش با او داشته است. کات به صحنه ی گفتگوی جو با شنکس. شنکس دارد نسبت به عواقب کار جو هشدار می دهد. دوباره نیمرخ جو و نمایی از صندلی پشت در اتوموبیل و صدای آمبیانس جاده و موسیقی که حالا واضح تر می شود و دوباره صدای گفتگوی او با شنکس که ادامه دارد. دوباره کات به صحنه ی گفتگو و بازگشت به نیم رخ و شانه ی جو.

در آخرین رفت و برگشت، نمای مدیوم کلوز شنکس را داریم که آخرین تذکر را می دهد و کات به مدیوم لانگ جو که پشت به دوربین ایستاده به سیگار کشیدن و پس زمینه ی جنگل و کوه مه آلود را نگاه می کند.

صدای امبیانس جاده می آید، موسیقی فیلم ساکت است و با نواخته شدن ساز سنتی اسکاتلند جو برمی گردد و صحنه از آدم های دیگر شلوغ می شود. باز تکلیف حسی ما با شخصیت جو معلوم نیست. جو عملی را مرتکب شده است و در جاده به آن فکر می کند. آیا شک کرده است؟ معلوم نیست. در گفتگوی فلش بک جو با اقتدار هشدارهای رفیقش شنکس را جواب میدهد اما همه توخالی است. این اعتماد به نفس جو از کجا می آید؟ در کارگردانی فلش بک گفتگو، فیلمساز به شنکس و هشدارهایش نزدیکتر است. این هشدارها باید باعث شود جو از این مسیر کوتاه بیاید اما فیلمساز جو را در مسیر تندتر می کند.



قاب بندی در فیلم "نام من جو است"

فلش بک دیگری در فیلم "نام من جو است" وجود دارد که مربوط به چای شبانه ی جو و سارا است. موسیقی از نوار کاست بتهوون است و گفتگو درباره ی گذشته ی جو، نماهای گفتگویی مدیوم است و وزن اشیاء سمت جو بیشتر، مهمان بودن سارا با خالی بودن نیمه ی قاب او حس می شود. وقتی سارا از جو می خواهد که ماجرای ترک الکل خود را تعریف کند، نمای جو کلوز می شود و جو شروع می کند به گفتن. کات به فلش بک. از بالای پله ها جو و زن را داریم که بالا می آیند، جو از کادر خارج می شود. کات به زن در نمای بالا به پایین و کات به جو در نمای پایین به بالا. خنده ی عصبی کننده ی زن، برگشت به زمان حال جو و بازگشت به فلش بک، نمای از بالا به پایین است و جو وارد کادر می شود. دوربین پشت جو را می گیرد. جو دست بر صورت زن می گذارد و شروع کتک زدن تا آخر، نمای بالا به پایین است.

برگشت به زمان حال با نمایی مدیوم از سارا که درست تر این بود که به نمای کلوز سارا برگردد. کارگردانی صحنه ی گفتگوی چای شبانه و فلش بک کتک زدن زن هر دو پشتیبانی از جو-مرد - و علیه سارا و آن زن سابق است. بعدها در دعوی سارا و جو، وقتی جو عصبانی می شود سارا دیالوگی زخم زننده به جو می گوید که « آیا می خواهی من را هم (مثل آن زن) کتک بزنی». این نگرانی در ذهن سارا رسوب کرده است و از درد دل جو در آن شب می آید. اما در تصویر کارگردان چیزی مشخص نمی شود و حتی به عکس، در پلان بعد از درد دل جو، حضور سارا در خلوت جو را داریم که نیمه شب به سراغش می آید تا او را ببوسد و در آغوش بگیرد. در فلش بک چو زاویه دید جو دیده می شود که با توجه به زاویه ی نما، بالا به پایین پشیمانی جواز کتک زدن زن، حس نمی شود. بعد از فلش بک، مدیوم سارا را داریم که کمی به فکر فرو رفته است. چرا نباید کلوز او را ببینیم؟ چرا فیلمساز به چشمان مردد سارا نزدیک نمی شود؟



جمع بندی و سخن پایانی

پایان بندی فیلم " نام من جو است " ناقص است و سویه دار. دولت غایب است و خلافاکاران جولان میدهند. جو با قدرت بدن و صلابت شخصیتی در کافه گردوخاک می کند و بی درنگ توبه ی خود را می شکند و تا جا دارد می نوشد، راستی تبهکاران کتک خورده چرا به سراغ جو نمی آیند؟ سارا غایب است چون اختلاف طبقاتی با این شوخی ها حل نمی شود. فاصله ی سارا از این جماعت حتی جو، فاصله ای طبقاتی است که با وجود بچه ای که تکلیف آن هم معلوم نمی شود، کم نمی شود.

لیام در جبر ساده اندیشانه ی فیلمساز گریزی جز مرگ ندارد. با اینکه راه فرار برای او، روی کاغذ هست اما او به استقبال مرگ می رود. او اعتماد به نفس و جسم قوی ندارد و به طور نسلی ضعیف و فساد زده است. کنشی ندارد و به خواست فیلمساز نمی تواند داشته باشد. تنها کنش او فرار عاجزانه به سمت مرگ است. پلان آخر فیلم "نام من جو است"، پلان گورستان است که تابش آفتاب گرم و نسیم سرد است. عجیب این که خبری از تبهکاران نیست و فضا آرام است و امیدوار. سارا هم منتظر جو است تا چند قدم او را دلداری بدهد. راستی مشکل تن فروشی زن لیام چه شد؟ مشکل جو با تبهکاران چه شد؟ فیلمساز با خلق یک فاجعه ی اغراق شده، همه ی مشکلات و مشکل آفرینان را به عقب می راند تا به جمعی که بر گور لیام حاضرند آرامشی ابدی عطا کند. آرامشی که متزلزل است و واقعیت ندارد.

نویسنده

سجاد نوروزی

خدمات فیلمسازی استودیو کاتشو

ساخت تیزر تبلیغاتی

ساخت فیلم صنعتی

ساخت فیلم مستند و فیلم کوتاه سینمایی

طراحی موشن گرافیک و انیمیشن سازی

ساخت فیلم مراسم ، فرمالیته ، موزیک ویدئو و...

خدمات ویدیو مارکتینگ و سوشیال مدیا

کاتشو